

بررسی روایی قرآنی اصول، آداب و وظایف اشخاص در خانواده الهی

محمد دانش نهاد*

محمدحسن وکیلی**

چکیده

خانواده یکی از اركان اساسی تشکیل جامعه موفق است که برای دستیابی به آن می‌توان سه لایه برای تحقیق لحاظ نمود: ۱. تشکیل خانواده بر اساس امور حقوقی و قانونی؛ ۲. تشکیل خانواده بر اساس محبت و مودت زن و مرد یکدیگر؛ ۳. تشکیل خانواده بر اساس نگرش توحیدی. بر اساس آیات و روایات زندگی الهی مربوط به لایه سوم است که علاوه بر برخورداری از مزایای لایه‌های پیشین از مزایایی منحصر به فرد نیز برخوردار است. برای تحقق زندگی بر اساس نگرش توحیدی به اصول عام و خاص، آداب اسلامی و وظایف زن و مرد نیاز است به‌گونه‌ای که با تحقق چنین مواردی زندگی الهی شکل می‌گیرد و از انسجام و استحکامی خاص برخوردار می‌گردد. روش این تحقیق مبتنی بر جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل آن و مقارنه آرا است. از جمله نتایج تحقیق آن است که هدف از زندگی الهی تنها دستیابی به آرامش صرف نیست بلکه هدف حرکت به سمت خداوند متعال و عبودیت در این مسیر است که برای تحقق چنین خانواده‌ای در گام اول به اصول عامی همچون اخلاص در رسیدگی به خانواده و شکل‌گیری زندگی بر اساس فطرت انسانی نیاز است که اصولی خاص نیز در زیرمجموعه آن قرار می‌گیرد. در گام دوم تمکن به آداب زندگی الهی ضروری است که مواردی همچون ابراز محبت، احترام به اعضای خانواده، ثبت اندیشه و روحیه شکر، صبور بودن و رازداری است. در گام سوم نیز به وظایف مرد و زن در زندگی الهی بایستی توجه نمود.

کلید واژه‌ها

خانواده الهی، آداب الهی، وظایف زن و مرد در آیات و روایات، نیت توحیدی.

*. دانش آموخته دکتری رشته الهیات دانشکده علوم انسانی دانشگاه یاسوج (نویسنده مسئول).

**. عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام مشهد.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

طرح مسئله

بررسی بحث خانواده مبتنی بر آیات و روایات بر اساس رویکردهای گوناگون ممکن است.^۱ در رویکرد اول خانواده بر اساس مسائل قانونی و حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد که حقوق و واجبات و محramat توضیح داده می‌شود. رویکرد دوم رویکرد روان‌شناسی است و مربوط به آداب و رسومی است که از حد قانونی و حقوقی فراتر می‌رود و می‌تواند خانواده را به تعادل و استحکام برساند. رویکردهای^۲ اخلاقی و اجتماعی^۳ به نظام خانواده نیز هر یک بر مبنای خاص خود به دنبال تعالی آن هستند اما آنچه غایتنهایی دین اسلام از خانواده است فراتر از این رویکردها است. آنچه دین اسلام و سنن پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین به آن دعوت می‌کنند این است که خانواده باید نگرشی توحیدی داشته باشد تا بستری برای توجه به خداوند متعال گردد چنانچه قرآن کریم هدف از خلقت جن و انس را عبودیت بیان نموده است^۴ و از آنجا که خانواده بعد مهمی از حیات انسان را شامل می‌گردد چنین هدفی در رابطه با خانواده نیز قابل استنباط است. خانواده‌ای که با انس و الفت در کنار هم زندگی می‌کنند از نگاه الهی ارزشمند است چنان که خداوند متعال یکی از اهداف تشکیل خانواده را دستیابی به آرامش از طریق مودت و رحمت میان اعضای خانواده معرفی نموده است^۵ اما صرف چنین حالتی غایتنهایی اسلام از تشکیل خانواده را محقق نمی‌کند و بایستی با توجه به آیات دیگر قرآن کریم غایتنهایی خانواده را که همان حرکت در مسیر عبودیت و توحید است^۶ به دست آورد. به‌طورکلی برای تحقق سطح سوم که زندگی الهی است نیازمند اصولی عام و خاص، آداب مشترک و وظایف خاص هر یک از زن و مرد است.

در رابطه با نهاد خانواده از نگاه دین مبین اسلام تا کنون مقالات بسیاری به رشتہ تحریر در آمده است. برخی ساختار خانواده را بر اساس رویکرد غایت‌شناسانه از آیات قرآن کریم مورد بررسی قرار داده‌اند^۷ و برخی دیگر به جایگاه اخلاق در ازدواج و خانواده پرداخته‌اند.^۸ دسته دیگر از محققان به تحلیل

۱. بستان، *خانواده در اسلام*، ص ۷.

۲. گیدزن، *جامعه‌شناسی*، ص ۲۰.

۳. کوئن، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ص ۳۰.

۴. ذاریات / ۵۶.

۵. روم / ۲۱.

۶. *عَوَمَا حَلَقْتُ الْجِنَّ وَالإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ*. (ذاریات / ۵۶)

۷. برهمن؛ کشاورز و صفائی مقدم، «تبیین چیستی ساختار خانواده مبتنی بر رویکرد غایت‌شناسانه با تأکید بر آیات قرآن»، مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش ۲۹، ۲۸ - ۷، ص ۲۸ - ۷.

۸. زارعی، *درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده*، ص ۹۶ - ۹۶

جامعه‌شناسی نهاد خانواده در کشور ایران توجه نموده‌اند.^۱ علاوه بر این جایگاه مدیریت در خانواده بر اساس سیره ائمه م Gusomien نیز مورد توجه قرار گرفته است^۲ اگرچه برخی مقالات نیز با ابعاد دیگری در رابطه با مبانی و اصول خانواده پرداخته‌اند^۳ اما هیچیک نهاد خانواده را بر اساس نگاه توحیدی به صراحت مورد بررسی قرار نداده‌اند به گونه‌ای که چنین نگاهی می‌توان به عنوان نگرش کلی خانواده اسلامی قرار گیرد و بر اساس آن اصول عام و خاص، آداب مشترک و وظایف مشترک و غیر مشترک زن و مرد در خانواده‌های شکل گیرد. چنین نگاهی به خانواده در میان مقالات بسیاری که تاکنون نگاشته شده مشاهده نگردید و محققان کمتر به آن در میان مطالب خود بدان اشاره نموده‌اند. روش این تحقیق مبتنی بر گردآوری اطلاعات از منابع قرآنی روایی و تحلیل آنها است.

مفهوم‌شناسی (اصول، آداب و وظایف)

پیش از ورود به مباحث اصلی تحقیق بایستی واژگان کلیدی اصول، آداب و وظایف را از لحاظ مفهومی مورد بررسی قرار داد:

۱. اصول جمع اصل در لغت به معنای پایین‌ترین قسمت شیء، ریشه و اساس آمده است.^۴ در اصطلاح نیز همسو با معنای لغوی آن به معنای پایه‌ها و ارکان اساسی خانواده‌های است به گونه‌ای که بدون یکی از این اصول نمی‌توان شکل‌گیری خانواده‌های را انتظار داشت.

۲. آداب جمع ادب در لغت به معنای امر پسندیده، نیکو و شایسته ذکر گردیده^۵ و در اصطلاح نیز همسو با معنای لغوی به اموری اطلاق می‌گردد که خانواده‌های گرچه بدون آنها قابل تحقق است اما توجه به چنین مواردی از سویی موجب حراست اصول خانواده‌های می‌گردد و از سوی دیگر موجب ارتقای معنوی سطح خانواده‌های می‌گردد.

۳. وظایف جمع وظیفه در لغت به معنای آن‌چه در هر روز تقدیر شده، عهد و شرط آمده است^۶ و در اصطلاح به امور لازم الاجرایی گفته می‌شود که شخص برای تحقق خانواده‌های به عهده دارد و تحت

۱. نیک‌پی و پویا، «جامعه‌شناسی تحول خانواده در ایران - بررسی ابعاد اجتماعی و حقوقی لایحه حمایت خانواده»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، ش. ۱، ص ۱۷۰ - ۱۳۱.

۲. خطیبی، «الگوی مدیریت در خانواده در سیره رضوی»، مجله مطالعات راهبردی بسیج، ش. ۵۹، ص ۱۶۲ - ۱۳۳.

۳. تقی‌پور؛ اسماعیلی و صلوانیان، «الگوی جامع خانواده تراز در اندیشه اسلامی»، فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، ش. ۳۸، ص ۱۴۸ - ۱۱۹.

۴. صاحب بن عباد، *المحيط في اللغة*، ج. ۸، ص ۱۸۷؛ راغب اصفهانی، *مفردات ألفاظ القرآن*، ص ۷۸.

۵. حمیری، *شمس العلوم و دواء كلام العرب من الكلوم*، ج. ۱، ص ۲۰۷؛ صاحب بن عباد، *المحيط في اللغة*، ج. ۹، ص ۳۷۷.

۶. ابن‌فارس، *معجم مقاييس اللغة*، ج. ۲، ص ۱۲۲؛ صاحب بن عباد، *المحيط في اللغة*، ج. ۱۰، ص ۴۳.

هیچ شرایطی نمی‌تواند از انجام آن سرباز زند و در صورت امتناع می‌توان عقوبت و مجازات‌هایی دنیوی و اخروی مناسب با آن در نظر گرفت.

اصول عام و خاص در خانواده الهی

تشکیل خانواده الهی از سویی نیازمند اصول عام و از سوی دیگر نیازمند اصول خاصی است که اصول خاص نیز زیرمجموعه اصول عام قرار می‌گیرند.

۱. اصول عام در خانواده الهی

مقصود از اصول عام در خانواده الهی اموری است که در سرتاسر زندگی جریان دارد و اعضای خانواده بایستی بدان توجه داشته باشند تا زندگی الهی را رقم بزنند.

یک. اخلاص در رسیدگی به خانواده

با توجه به آن که توحید عملی بسترساز اخلاص در سرتاسر شئون زندگی انسان می‌شود و خانواده نیز یکی از شئون زندگی انسان است یکی از اصول عام و اساسی در خانواده الهی این است که در محیط خانواده و سایر محیط‌ها انسان الهی تنها با خداوند متعال معامله کند. چنان‌که شخصی که در محیطی کار می‌کند گاهی تصورش این است که مزد و اثر کارش را از طرف مقابل و شریکش دریافت می‌کند و گاهی این‌طور است که در محیط کار هم با خدا معامله می‌کند و از باب انجام وظیفه با دیگران هم ارتباط برقرار می‌کند. چنان‌که در برخی آیات، اخلاص با عنوان قلب سلیم ذکر گردیده و در روایات در تبیین آن این‌چنین آمده است: قلب سلیم، قلبی است که خداوند را ملاقات نماید در حالی که احدی غیر او در قلبش جای ندارد.^۱ بر این اساس افراد در فضای خانواده در نحوه رفتار خود با دیگران دائمًا بایستی این‌گونه عمل نمایند که جز رضای خداوند را لحاظ ننمایند و تنها در صدد تقرب به خداوند متعال باشند. از جمله عالیم و نشانه‌های وجود اخلاص در فضای خانواده الهی این است که در مواردی که برخی اعضای خانواده به دنبال خواسته‌های نادرست و ناسازگار با مسیر دین الهی هستند، سایر اعضا با چنین خواسته‌ای همراهی نمی‌کنند و درواقع رضایت الهی را بر رضایت شخص ترجیح می‌دهند؛ چنان‌که در روایات بر این نکته تصویر شده که رضایت خداوند بر رضایت مردم اولویت دارد و تنها زمانی کسب رضایت مردم پسندیده است که با سخط الهی همراه نباشد.^۲

۱. سَأَلَهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - إِلَّا مَنْ أَنْتَيَ اللَّهَ بِقَلْبِ سَلَيمٍ قَالَ الْقَلْبُ السَّلَيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ قَالَ وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرٌّ كُلُّ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ . (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶)

۲. وَلَائِهُ النَّاسِ بَعْدَ وَلَائِهِ اللَّهُ وَ ثَوَابُ النَّاسِ بَعْدَ ثَوَابِ اللَّهِ وَ رَضَا النَّاسِ بَعْدَ رَضَا اللَّهِ . (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۵۳)

دو. اصل زندگی بر اساس فطرت

از آنجا که زن از ساختمان وجودی لطیفتری نسبت به مرد برخوردار است^۱ و بر اساس آیات،^۲ دین اسلام دینی مبتنی بر فطرت الهی و مطابق با ساختمان وجودی انسان است؛ مسئولیت‌های بیرون از خانواده به جهت مشقت فراوان از عهده زنان رفع گردیده است. چنان که پیامبر اکرم ﷺ در مورد نحوه مدیریت امور منزل و تقسیم کارها به قاعده‌ای کلی اشاره نمودند که از اصول فطری هر زندگی مشترکی است و آن اینکه اموری که مربوط به داخل خانه است، بر عهده خانم و اموری که مربوط به خارج از خانه است بر عهده مرد است که حضرت زهرا علیها السلام در قبال چنین تقسیمی می‌فرماید: کسی نمی‌داند که من از این قضیه به چه مقدار مسرور گردیدم که پیامبر اکرم ﷺ بار ارتباط با مردان نامحرم را از عهده ام خارج نمود.^۳ در حالی که کسانی که طالب دنیا هستند اعتراض می‌نمایند که چرا کمتر از مردان در فضای جامعه بایستی حضور داشته باشند ولی کسی همچون حضرت زهرا علیها السلام که طالب عشق به خدا و سیر در عالم ملکوت است، این گونه نمی‌اندیشد و با در خانه بودن چنین غایتی بهتر صورت می‌پذیرد، چنان که می‌گویند: «هر که در خانه اش صنم دارد گر نیاید برون چه غم دارد». و به همین خاطر است که مقام معظم رهبری خانه‌داری و خانواده‌داری زنان را یکی از مهم‌ترین و شریف‌ترین کارها می‌دانند.^۴ البته این بدان معنا نیست که در خانواده‌هایی، زنان بیرون نمی‌روند بلکه بار مسئولیت بیرون از منزل بر عهده مرد است و زن‌های در صورت برخورداری از دانش تنها در موارد ضروری همچون پزشکی و تعلیم و تربیت برای زنان بایستی به جهت انجام مسئولیت خود در جامعه به بیرون بروند. بر این اساس مرد‌های نباید امور بیرون را بر عهده زن بگذارند و زن‌های نیز نباید امور درون منزل را بر عهده مرد بگذارند و به جهت سخت بودن چنین وظیفه‌ای خوب شوهرداری به عنوان جهاد معرفی گردیده^۵ که نیازمند ایثار زنان است. البته هر یک از زوجین به هر میزان که توانایی دارند بایستی شریک خود در زندگی را یاری نمایند.

۲. اصول خاص در خانواده‌های

مقصود از اصول خاص مواردی است که تمام اعضای خانواده در سرتاسر زندگی نیازمند توجه به آن نیستند

۱. اسکات، *سازمان‌ها سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز*، ص ۲۵.

۲. فَإِنْ وَجْهَكَ لِلَّدِينِ حَيْنَفَأَ فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخُلُقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيْمُ وَكَيْنَ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ. (روم / ۳۰)

۳. حرعاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۰، ص ۱۷۲.

۴. ۱۳۹۲/۲/۱۱.

۵. ابن‌بابویه، *الخصائص*، ج ۲، ص ۵۸۷.

بلکه به حسب شرایط و اوضاع خاصی که پیش می‌آید، برخی از اصول متناسب با آن شایسته است مورد توجه قرار گیرد.

۱. عدم توقع و امید نسبت به دیگران: یکی از اصول بسیار مهم در زندگی الهی این است که شخص در ارتباط با همسر و نزدیکانش طرف حساب خودش را خداوند متعال قرار بدهد^۱ و از اطرافیانش توقیع نداشته باشد چراکه انتظار داشتن از دیگران یعنی معامله نمودن با مخلوقات و مؤمن چون خدامحور است رفتار خاصی را از دیگران در قبال عملش متوقع نمی‌گردد. به عنوان نمونه پدر تلاش می‌نماید که حقوق مربوط به والدین را به فرزند بیاموزد تا او نیز در مسیر حرکت خداوند متعال حرکت نماید اما در صورت عدم رعایت حقوق والدین توسط فرزند پدر احساس خسaran نمی‌کند و زحماتش را هدررفته نمی‌بیند.

۲. عدم عیب‌جویی نسبت به اعضای خانواده: اصل دیگر این است که انسان الهی به دنبال عیب دیگران نیست بلکه در مقابل در روایات بر این مسأله تصريح شده است که اگر کسی مبتلا به رذیله عیب‌جویی باشد مجازات سنگین دنیوی و اخروی برای او لحاظ می‌گردد.^۲

یکی از اشکالات متدال زندگی‌های زناشویی این است که هر یک از مرد و زن رفتارهای طرف مقابل را مورد مذاقه قرار می‌دهد تا پاییندی طرف مقابل به وظایفش را دریابد و به تبع وجود چنین ارتکازی در ذهن شخص عیب‌جویی می‌کند، بدی‌های طرف مقابل را می‌بیند و آنها را در ذهن حفظ می‌کند که در چنین حالتی به تعبیر روایات در دورترین فاصله با خداوند متعال قرار می‌گیرد، چنان که امام معصوم در این رابطه می‌فرماید: «أَبْعَدُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ أَنْ يَكُونَ الرَّجُلُ يُوَاهِيَ الرَّجُلَ وَ هُوَ يَحْفَظُ عَلَيْهِ زَلَّاتِهِ لِيُعَيِّرَهُ بِهَا يَوْمًا مَا؛ دورترین فاصله بندۀ از خداوند متعال زمانی است که عیب‌های برادر مؤمنش را حفظ نماید تا روزی علیه او استفاده نماید»^۳ اما کسی که توقع ندارد هیچ‌گاه عیب‌جویی نمی‌نماید.

یکی از روایاتی که به انجاء گوناگون از ائمه معصومین بیان گردیده این است که مؤمن عیب دیگران را نمی‌بیند و اگر عیب دیگران زیاد باشد کم می‌بیند و خوبی‌های خودش را نمی‌بیند و اگر خوبی‌هایش زیاد باشد کم می‌بیند.^۴ یکی از علل چنین صفتی برای مؤمن این است که با خدای متعال معامله می‌نماید

۱. طبرسی، مشکاة الأنوار فی غور الأخبار، ص ۳۲۷؛ بحرانی، عوالم العلوم و المعرف و الأحوال، ج ۲۰، ص ۶۵۹

۲. وَ مَنْ مَشَى فِي عَبْدٍ أَخِيهِ وَ كَنْفُعٌ عَوْرَتِهِ كَانَ أَوَّلُ حُطُوتٍ خَطَاهَا وَ وَضَعَهَا فِي جَهَنَّمَ وَ كَشَفَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ عَلَى رُءُوسِ الْخَلَائِقِ. (ابن‌بابویه، ثواب الأفعال و عقاب الأفعال، ص ۲۸۸؛ دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب، ص ۴۱۰)

۳. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۵۵

۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مَا عُدِّ اللَّهُ بِمِثْلِ الْعُقْلِ وَ مَا تَمَّ عَقْلُ امْرَئٍ حَتَّى يَكُونَ فِيهِ عَشْرُ خِصَالُ الْخَيْرِ مِنْهُ مَأْمُولٌ وَ الشَّرُّ مِنْهُ مَأْمُونٌ يَسْتَقِلُ كَثِيرُ الْخَيْرِ مِنْ عِنْدِهِ وَ يَسْتَكْثِرُ قَلِيلُ الْخَيْرِ مِنْ عِنْدِهِ. (ابن‌بابویه، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۶)

و در پی احترام گذاشتن دیگران به او نیست.^۱

۳. تقدیم به رعایت تمام حقوق اطرافیان: اصل دیگر توجه به تمامی حقوق دیگران است که انسان الهی در روابط اجتماعی خود به خصوص در عرصه خانواده با لطفات و ظرافت به آن عمل می‌نماید چرا که از سویی رعایت حقوق افراد از دیدگاه خداوند متعال از رعایت حق مشاهد مشرفهای همچون کعبه که خانه خدا است بالاتر است^۲ و به قدری از عظمت برخوردار است که در صورت تبیین جایگاه آن افراد به راحتی چنین جایگاهی را انکار می‌نمایند.^۳ از سوی دیگر به گونه‌ای است که خطایی کوچک موجب می‌گردد مدت‌ها از فیوضات معنوی محروم گردد.^۴

۴. ارزش‌گذاری دینی برای اعضای خانواده: انسان الهی دیگران را به اعتبار ربطشان به خداوند مشاهده می‌نماید و نگاهش در زندگی فراتر از روابط شخصی و خانوادگی است. انسان الهی ابتدا اعضای خانواده را مخلوقات الهی می‌بیند و بعد آنها را از پیروان دین اسلام و شیعه مشاهده می‌نماید و به تعبیری آنها را از فرزندان پیامبر اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داند چنان که پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «أَنَا وَ عَلَيْيُ أَبُوا هَنِئِ الْأُمَّةَ».^۵ لذا توجه به این نکته، نگاه و رفتار شخص را نسبت به دیگران تغییر می‌دهد و محبت و احترامی مضاعف برای آنها قائل می‌گردد. از جمله نمونه‌های این نگاه را می‌توان در سیره امام سجاد علیه السلام یافت به گونه‌ای که نه تنها به دنبال رفع حوائج افراد مؤمن بود بلکه در رفع حاجت دشمن خود نیز مبادرت می‌نمود تا از چنین فرصتی محروم نگردد^۶ این قضیه نشانگر آن است که چنین شخصی نیز در دستگاه الهی ارزشمند است چون یکی از بندگان خداوند است و از آنجا که از روی چهل دشمن اهل‌بیت و خداوند متعال بوده حرمت پیدا می‌کند و شایسته دلسوزی و ترحم است.^۷ حال اگر این انسان

۱. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶.

۲. أَرْوَى عَنِ الْعَالَمِ عَنْ أَنَّهُ وَقَفَ حِيلَ الْكَعْبَةِ ثُمَّ قَالَ مَا أَعْظَمَ حَقَّكِ يَا كَعْبَةُ وَ اللَّهُ إِنَّ حَقَّ الْمُؤْمِنِ لَأَعْظَمُ مِنْ حَقِّكِ. (امام هشتم، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا، ص ۳۳۵)

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۵۴ - ۳۵۳.

۴. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۶۹؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۸.

۵. قَالَ الْحَسَنُ بْنُ عَلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلَيْهِ أَبُوا هَنِئِ الْأُمَّةَ، فَطَوَيَ لِمَنْ كَانَ يَعْقِّهِمَا عَارِفًا، وَ لَهُمَا فِي كُلِّ أَحْوَالِهِ مُطِيعًا، يَجْعَلُهُ اللَّهُ مِنْ أَفْضَلِ سُكَّانِ جَنَانِهِ وَ يُسْعِدُهُ بِكَرَامَاتِهِ وَ رَضْوَانِهِ، (امام بازدهم، التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري، ص ۳۳۰؛ ابن‌بابویه، علل الشرائع، ج ۲، ص ۸۵)

۶. عَ وَ قَالَ عَلَيْهِ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ إِلَيْيَ لَأَبْدِرُ إِلَيْ قَضَاءِ حَاجَةِ عَدُوِّي حَوْفًا أَنْ يَقْضِيهَا لَهُ غَيْرِي أَوْ أَنْ يَسْتَعْنِي. (ابن‌بابویه، عيون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۲)

۷. وَ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ وَ الْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ وَ الْجَاهِلُ السَّخِيُّ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهِ مِنَ الْعَابِدِ الْبَخِيلِ. (ر. ک. دیلمی، إرشاد القلوب إلى الصواب،

دین دار شود و محبت خداوند متعال، پیامبر اکرم ﷺ و ائمه معصومین در قلب او وارد شود از احترام بیشتری نزد انسان الهی پیدا می‌نماید.

آداب مشترک زندگی الهی

۱. ابراز محبت

خانواده الهی بر اساس محبت و رابطه عاطفی متقابل شکل می‌گیرد. در رابطه عاطفی علاوه بر محبت بایستی ابراز محبت نیز وجود داشته باشد. چنان که امام معصوم می‌فرماید: اگر کسی را دوست دارید به او خبر دهید^۱ که موجب استواری محبت و بیشتر شدن الفت میان شما می‌گردد.^۲ این اعلام محبت گاهی زبانی و گاهی عملی است مثل هدیه دادن.^۳ چنان که در روایات بر ثمرات هدیه دادن و از بین رفتن کینه‌ها و دشمنی‌ها این گونه تصریح شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَ يَأْكُلُ الْهَدَىَةَ وَ لَا يَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَ يَقُولُ تَهَادُوا فَإِنَّ الْهَدَىَةَ سَلْلُ السَّخَائِمَ وَ تُجْلِي ضَغَائِنَ الْعَدَاوَةِ وَ الْأَحْقَادِ» و یا تلاش برای رفع نیاز است.^۴ بر این اساس اعضای خانواده نیز بایستی به یکدیگر ابراز محبت نمایند و روایات متعددی برای استحباب بوسیدن فرزند و زیاد بوسیدن وی آمده است.^۵

ابراز محبت به اعضای خانواده به همان میزانی که موجب خشنودی می‌گردد و انس و الفت خانواده را فراهم می‌کند مستحب است^۶ و مصدق ادخال سرور در قلب مؤمن^۷ می‌گردد که یکی از مستحبات بسیار مهم است که شاید مستحب دیگری به مرتبه آن نرسد به خصوص زمانی که مصدق قضای حاجت مؤمن نیز تلقی گردد. به همین خاطر است که در نوشته‌های علمای بزرگ همچون رهبر کبیر انقلاب چنین مسئله‌ای نمود یافته است و از الفاظ بسیار محبت‌آمیزی نسبت به همسر خود استفاده می‌نمودند.^۸

ج ۱، ص ۱۳۶؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۷۵؛ بحرانی، عوالم العلوم والمعارف والأحوال، ج ۲۰، ص ۷۴۶

۱. برقی، المحسن، ج ۱، ص ۲۶۶

۲. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِذَا حَبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْيِرْهُ بِذَلِكَ فَإِنَّهُ أَثْبَتُ لِلْمُؤْمَنَةِ بِينَكُمَا. (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۶۴۴)

۳. فیض کاشانی، الواقی، ج ۱۷، ص ۳۶۹

۴. الماشیی فی حاجةِ أخیهِ کالساعی بینَ الصفا وَ الْمَرْوَةِ وَ قَاضی حاجتِهِ کالْمَشَحَّطِ بِدَمِهِ فی سَبِيلِ اللَّهِ يَوْمَ بَدْرٍ وَ أَحُدٍ
(ابن شبهه حرانی، تحف العقول، ص ۳۰۳)

۵. قَالَ اللَّهُمَّ أَتَشْرُكُوا مِنْ قُبْلَةِ أُولَادِكُمْ فَإِنَّ لَكُمْ بِكُلِّ قُبْلَةٍ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ مَسِيرَةَ خَمْسِيَّةَ عَامٍ. (بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۶، ص ۸۶۴)

عَنْ قَوْلِ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: إِنِّي أُحِبُّكَ، لَا يَدْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا. (حرعاملی، هدایة الأمة، ج ۵، ص ۱۴۴)

۷. عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: إِنَّ مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَيَّ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِدْخَالَ السُّرُورِ عَلَيَّ الْمُؤْمِنِ وَ إِسْبَاعَ جَوَعَتِهِ وَ تَنْفِيسَ كُرْبَتِهِ وَ قَضَاءَ دَيْنِهِ. (ابن بابویه، مصادقة الإخوان، ص ۴۴)

۸. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱، ص ۲.

بنابراین ابراز محبت منافاتی باوقار داشتن مردان در خانواده ندارد و از آنجا که نیاز عاطفی زنان به مردان بیش از نیاز عاطفی مردان به آنها است مسئولیت مردان در ابراز محبت از مسئولیت زنان بیشتر است، چنانچه در روایتی این‌گونه بر حق همسر توصیه شده است:

حَقُّ الرَّوْجَةِ فَإِنْ تَعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَ جَعَلَهَا لَكَ سَكَنًا وَ أَنْسًا فَتَعْلَمَ أَنَّ ذَلِكَ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَ عَلَيْكَ فَشُكْرُهَا وَ تَرْفُقُهَا وَ إِنْ كَانَ حَقُّكَ عَلَيْهَا أُوْجَبَ فَإِنَّ لَهَا عَلَيْكَ أَنْ تَرْحَمَهَا لِإِنَّهَا أُسِيرُكَ وَ تُطْعِمُهَا وَ تَكْسُوْهَا وَ إِذَا جَهَلْتُ عَفَوْتَ عَنْهَا.

حق همسر این است که بدانی خداوند او را مایه آرامش و انس تو قرار داده است و این نعمت خداوند متعال بر تو است لذا بایستی با کرامت و مدارا با او رفتار کنی اگرچه حق شوهر بر همسر واجبتر است ولیکن بر همسر بایستی با مهربانی برخورد نمود چرا که اسیر شوهر خود می‌باشد و بایستی غذا و لباس همسر را فراهم نمود و زمانی که اشتباهی نمود او را مورد بخشش خود قرار دهد.^۱

۲. احترام به اعضای خانواده بر اساس خدامحوری

اگرچه در اصول اخلاقی تمدن مدرن هم بر این مسئله در آداب اجتماعی تأکید می‌شود به‌گونه‌ای که برای حریم خصوصی افراد بایستی ارزش قائل شد اما احترامی که در اسلام آمده در افقی بالاتر است. احترام به دیگران از دیدگاه اسلام به جهت ارتباط او با خداوند متعال^۲ و اولیاء الهی ارزشمند می‌شود و اگر به وی بی‌احترامی شود درواقع به خداوند متعال و اولیاء الهی بی‌احترامی شده است. چنان‌که در روایتی در رابطه با اجر و پاداش ادخال سرور در قلوب مؤمنین آمده است:

مَنْ أَدْخَلَ عَلَيَ مُؤْمِنَهُ سُرُورًا فَقَدْ أَدْخَلَهُ عَلَى اللَّهِ وَ مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَ فِي عَرْشِهِ وَ اللَّهُ يَنْتَقِمُ مِنْ ظَلَمَهُ.^۳

هر کس مؤمنی را شاد نماید خداوند متعال را شاد نموده است و هر کس مؤمنی را اذیت نماید خداوند متعال را اذیت نموده است و خداوند از ظالمان انتقام می‌گیرد.

یکی از اشتباهات رایج در زندگی متدینان این است که زن و فرزند را متعلق به خود می‌دانند و برای آنها خیلی احترام قائل نمی‌گردند، اما شریعت می‌گوید زمانی که فرزند به سن تمیز رسید شخص

۱. ابن‌بابویه، *من لا يحضره الفقيه*، ج ۲، ص ۶۲۱

۲. امام ششم، *مصابح الشریعة*، ص ۸۳؛ ابن‌بابویه، *من لا يحضره الفقيه*، ص ۲۹۸؛ فتال نیشابوری، *روضۃ الوعظین*، ج ۲، ص ۳۸۵.

۳. کوفی اهوازی، *المؤمن*، ص ۵۰

محترمی می‌گردد و وجوب احترام نگهداشتن برای او در سن بلوغ به بعد قدر متین است به گونه‌ای که نمی‌توان در خلوت نیز او را مورد تحقیر قرار داد چنان که این مدعای از عموم حق مؤمنان بر یکدیگر می‌توان استنباط نمود.^۱ علاوه بر اینکه پایه استحکام خانواده بر نگهداشتن حرمت‌ها است چنان که امام سجاد[ؑ] در رساله حقوق، حقوق گوناگونی را برای اعضای خانواده برمی‌شمرند که حقوق والدین و به خصوص مادر جایگاهی بسیار مهم دارد^۲ که بایستی بدین چنین حقوقی توجه داشت زیرا در صورت بی‌توجهی به چنین حقوقی و تحقیر آنها، دلستگی اعضای خانواده به یکدیگر متزلزل می‌شود. البته احترامی که والدین نزد فرزند دارند بسیار بیشتر از احترامی است که فرزند در نزد والدین دارد و احترامی که شوهر نسبت به زن دارد^۳ مقداری بیشتر از احترامی است که زن نسبت به شوهر دارد^۴ ولی در هر صورت احترام رابطه‌ای دوطرفه است.

احترام به اعضاء خانواده مستلزم احترام به متعلقات وی است. یکی از اشتباهات رایج در میان خانواده‌ها این است که زوجین از اقوام طرف مقابل بدگویی می‌نمایند که در روایات مطلق عیب‌جویی نمودن از دیگران را موجب خارج شدن از ولایت خداوند متعال دانسته است^۵ که چنین هتك حرمتی در واقع هتك حرمت طرف مقابل است که به دنبال آن رنجش خاطر پدید می‌آید و دستیابی چنین خانواده‌ای به محبت، مودت و سکون خاطر را دشوار می‌نماید.

۳. مثبت‌اندیشی و روحیه شکر

انسان در تعاملات با دیگران واقع بینانه و بلکه خوش بینانه باید رفتار نماید و شاکر بودن نیز به معنای واقع بینی است و در روایات بر نگاه خوش بینانه تأکید شده است^۶ در حالی که یکی از اشتباهات رایج این است که چنین نگاهی میان بسیاری از افراد در غالب زندگی وجود ندارد و تنها بر مشکلاتشان تمکز

۱. مفید، *الإختصاص*، ص ۲۹، طوسی، *الأمالی*، ص ۹۸.

۲. ابن شعبه حرانی، *تحف العقول*، ص ۲۶۳.

۳. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَوْ أَمْرَتُ شَيْئًا يَسْجُدُ لِآخَرَ لَأَمْرَتُ الْمَرْأَةَ أَنْ تَسْجُدَ لِزَوْجِهَا. (صفار، *بعض المدرجات*، ج ۱، ص ۳۵۲؛ مغربی، *دعائیں الإسلام*، ج ۲، ص ۲۰۴؛ خصیبی، *الهدایۃ الكبیری*، ص ۵۵)

۴. قَالَ جَاءَتِ امْرَأَةٌ إِلَيْ رَسُولِ اللَّهِ صَفَّاقَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الرَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ فَقَالَ لَهَا أَنْ تُطِيعِهِ وَ لَا تَعْصِيهِ وَ لَا تَتَصَدَّقَ مِنْ بَيْهَا بِشَيْءٍ إِلَّا بِإِذْنِهِ. (کلینی، *كافی*، ج ۵، ص ۵۰۶؛ طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ص ۲۱۴)

۵. قال لي أبو عبد الله^ع: من روی على مؤمن رواية يرید بها شینه و هدم مروته ليسقطه عن أعين الناس أخرجه الله من ولايته إلى ولاية الشیطان فلا يقبله الشیطان. (مجلسی، *روضة المتینین*، ج ۹، ص ۳۴۸؛ مجلسی، *مراة العقول*، ج ۱۱، ص ۳)

۶. قال عليه السلام لبعض مواليه: ضع أمر أخيك على أحسينه حتى يأتيك منه ما يعليك و لا ظلم يكلمه خرجت من عند أحد سوءاً وأنت تتجدد لها في الخير محملاً. (حلوانی، *نوره الناظر*، ص ۴۷)

می‌کنند که به دنبال آن قضاوتهایی هم که صورت می‌پذیرد حقیقی نخواهد بود در حالی که اگر اشخاص بخواهند تک‌تک نعمت‌های الهی برای خود را به شمارش درآورند ممکن نخواهد بود.^۱

از سویی بسیاری از مشکلاتی که مهم تلقی می‌گردد تحت تأثیر عوامل بیرونی است. لذا بایستی انسان مانع تأثیرگذاری عوامل بیرونی بشود؛ همیشه نقاط مثبت اعضای خانواده را در تحلیل خود از وضعیت خانوادگی‌اش مدنظر قرار دهد. چنان‌که بسیاری از مشاوران برای جلوگیری از مشکلات زوجین از روش مثبت اندیشی استفاده می‌کنند. برای رسیدن به خوبی‌های اعضای خانواده دو راه وجود دارد؛ یکی تأمل در نقاط مثبت افراد خانواده و یادآوری مداوم آنها که معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد. راه دیگر مقایسه با افراد پایین‌تر از خود، چنان‌که شخصی که از لحاظ مادی احساس کمبود می‌کند اگر نحوه زندگی فقرای شهر خود را ببیند، وضعیت زندگی خود را بیشتر قدر خواهد دانست و گرنّه نکات مثبت در زندگی‌اش گم می‌شود.

٤. صبر و بردباری

انسان الهی برای حرکت به سمت خداوند ناگزیر از تحمل سختی‌ها است تا در اثر صبر به سمت خداوند تقرب یابد، چنان‌که در روایات آمده است زمانی که خداوند بنده‌ای را دوست داشته باشد بلا را مانند باران بر سر او فرود می‌آورد.^۲ در آیات قرآن کریم بر این سنت الهی تأکید شده است که انسان دائمًا در دنیا مورد امتحان خداوند متعال قرار می‌گیرد و صابران حقیقی کسانی هستند که با خداوند متعال معامله می‌نمایند:

وَلَيَبْلُوَنَّكُمْ يَشَاءُ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَتَنْصُرُهُ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَيَشَرُّ الصَّابِرِينَ *
الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.^۳

قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی، و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها، آزمایش می‌کنیم؛ و بشارت ده به استقامت کنندگان آنها که هرگاه مصیبتي به ایشان می‌رسد، می‌گویند: «ما از آن خدایم؛ و به سوی او بازمی‌گردیم!

علامه طباطبائی در تفسیر آیه می‌فرماید: «مصطفیت عبارت است از هر واقعه‌ای که آدمی با آن روبرو شود، چه خیر و چه شر، و لکن جز در وقایع مکروه و ناراحت کننده استعمال نمی‌شود و معلوم است که مراد به گفتن (انا لله) صرف تلفظ به این الفاظ و بدون توجه به معنای آن نیست و حتی با گفتن و صرف

۱. وَإِنْ تَعْدُوا بِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ. (نحل / ١٨)

۲. اسکافی، التمھیص، ص ۳۰.

۳. بقره / ۱۵۶ – ۱۵۵.

توجه به معنا هم نیست؛ بلکه باید به حقیقت معنایش ایمان داشت به اینکه آدمی مملوک خداست و مالکیت خدا به حقیقت ملک است و اینکه دوباره بازگشتش به سوی مالکش می‌باشد. اینجاست که بهترین صبر تحقق پیدا می‌کند، آن صبری که ریشه و منشا هر جزء و تاسفی را در دل می‌سوزاند و قطع می‌کند و چرک غفلت را از صفحه دل می‌شوید.^۱

در روایتی در مورد صبر این چنین آمده است: «قَالَ لَهُ الرَّجُلُ: وَاللَّهِ إِنِّي لَأُجِبُكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ. قَالَ: فَائْخِذْ لِلْبَلَاءِ جَلِبَابًا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَأَسْرَعُ إِلَيْنَا وَإِلَى شَيْعَتَنَا مِنَ السَّيْلِ فِي الْوَادِي، وَبَنَا يُنْدِأُ الْبَلَاءُ ثُمَّ يَكُمْ، وَبَنَا يُنْدِأُ الرَّحَاءُ ثُمَّ يَكُمْ». شخصی به امام معصوم می‌گوید شما را خیلی دوست دارم که حضرت در پاسخ فرمودند: اگر واقعاً ما را دوست داری آمده بلا و مصیبت باش.^۲ مؤمن بدون بلا و مصیبت رشد نمی‌کند لذا فرار از مشکلات را حل نیست و کسی که طالب رضای خداوند است اگر از مشکلات زندگی فرار کند یا به مشکلات بیشتری دچار می‌شود و یا اینکه مصیبت‌هایی فراتر از آن را در آخرت بایستی تحمل نماید.

به همین منوال انسان الهی نسبت به همسر خود که سختی‌هایی را بر او تحمیل می‌نماید واکنش‌های منفی نشان نمی‌دهد و به جهت معامله با خداوند و اولیاء الهی صبر می‌نماید و اجرش را از خداوند متعال طلب می‌نماید. بر این اساس زوجین در صورت نزاع و عدم تحصیل آرامش بایستی در برابر مشکلات زندگی صبر نمایند زیرا در غالب موارد صبر کردن از جدا شدن بهتر است.^۳

۵. رازداری

یکی از خصوصیات مشترک بین اعضای خانواده که تأثیر زیادی در آرامش خانواده دارد کتمان سر است و در روایات^۴ بر لزوم آن تأکیدات بسیاری شده است. زمانی که زندگی جدیدی میان زن و مرد شکل می‌گیرد وظیفه زوجین این است که همیشه کتمان سر داشته باشند و امور مربوط به حریم خانواده را خارج از منزل مطرح نکنند و آنها را درون خانواده حل و فصل کنند چرا که اگر به فضای بیرون خانواده کشیده شود نمی‌توان مانع دخالت دیگران شد. کتمان سر از اصولی است که در سرتاسر زندگی منشأ اثر است. امام معصوم در این زمینه این چنین می‌فرماید: «مَنْ رَوَى عَلَيْ مُؤْمِنٍ رِوَايَةً يُرِيدُ بِهَا عَيْبَةً وَهَدَمَ مُرْوَتَهُ أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَقَامَ الذُّلِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ؛ كَسَى كَهْ بَهْ دَبَالَ»

۱. طباطبایی، *تفسیرالمیران*، ج ۱، ص ۵۳۱.

۲. طوosi، *الأَمَالِي*، ص ۱۵۴.

۳. هاشمی شاهروdi، *فرهنگ فقه*، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مجلسی، *بحارالأنوار*، ج ۴، ص ۱۴۶؛ حمیری، *قربالإسناد*، ص ۱۲۰.

۴. عَنْ أَحْمَدَ عَنْ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَيَّانٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ عُورَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَيَ الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ تَعْنِي سُفْلَيْهِ قَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَدْهَبُ إِنَّمَا هِيَ إِذَا عَنْ سِرِّهِ. (کلینی، *کافی*، ج ۲، ص ۳۵۹ - ۳۵۸)

عیب و از میان بردن آبروی برادر مؤمن باشد خداوند او را در روز قیامت در ذلت قرار می‌دهد تا آنکه آثار چنین عملی از بین برود».^۱

وظایف مشترک مرد و زن الهی

۱. رعایت حدود الهی و الگو قرار دادن سیره اولیاء الهی: مرد و زن به جهت برقراری آرامش پایدار و استمرار آن در نظام خانواده برای کسب رضایت الهی بایستی تعهد نمایند که بر اساس سیره اولیاء الهی زندگی خود را رقم بزنند چرا که در غیر این صورت خانواده‌ای که تشکیل می‌شود یا نظامش از هم‌گسیخته می‌گردد و یا دائماً در کشمکش و نزاع خواهد بود که یکی از علل چنین نزاعاتی این است که مردان به وظیفه خود که خدامدار بودن است عمل نمی‌نمایند زیرا کسی که طالب رضای خدا است دعوا و نزاعی را در خانواده محقق نمی‌نماید مگر آنکه بخواهد حدود و آداب الهی کنار زده شود که در چنین حالتی تکلیف نزاع برای شخص قرار داده شده است، چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم در رابطه با حدود الهی می‌فرماید: «تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ»^۲ اینها حدود الهی است و نبایستی از آنها عبور نمود و هر کس از حدود الهی تجاوز نماید ظالم خواهد بود.

۲. خضوع در برابر والدین: مردان و زنان وظیفه دارند در مقابل تمایلاتشان در برابر والدین خود که اعم از والدین خود و همسرش می‌باشد نفس خود را بشکنند و ذلیل نمایند تا درهای آسمان به روی آنها باز شود چنان‌که خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَكُلْ رَبْ أَرْحَمَهُمَا كَمَا رَبَّيْانِي صَغِيرًا.^۳
و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان فرود آر! و بگو: پروردگار!
همان‌گونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، مشمول رحمتشان قرار ده!

۱. وظایف مردان الهی

۱. مدیریت معنوی خانواده: خانواده همانند کشتی است که وظیفه دشوار مردان سکانداری مادی و معنوی آن است به‌گونه‌ای که مسئولیت آنها در آخرت را دشوار می‌کند. چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

۱. وَعَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ رَوَى عَلَيَ مُؤْمِنَةً رَوَايَةً يُرِيدُ بِهَا عَيْبَهُ وَهَدْمَ مُرْوَيَّهِ أَقَامَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مَقَامَ الذُّلِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَخْرُجَ مِمَّا قَالَ. (کوفی اهوازی، المؤمن، ص ۷۱)
۲. بقره / ۲۲۹
۳. اسراء / ۲۴

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوَا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْجِحَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِنُونَ». ^۱ در روایتی در شان نزول این آیه آمده است: مردی از مؤمنین نشست و شروع کرد به گریه کردن و گفتن اینکه من از نگهداری نفس خودم عاجز بودم و حال مأمور نگهداری از زن و فرزند خود نیز شده‌ام. رسول خدا^{علیه السلام} به او فرمود: در نگهداری اهلت همین بس است که به ایشان امر کنی آنچه را که به خودت امر می‌کنی و ایشان را نهی کنی از آنچه که خودت را نهی می‌کنی.^۲

در برخی روایات وظیفه دیگری نیز بر عهده مردان قرار گرفته است و آن اینکه علاوه بر آموختن و امریه معروف و نهی از منکر کاری نکند که زمینه‌ساز انحراف در خانواده گردد بلکه اعضای خانواده را در جهت حرکت به سمت نیکی هدایت نماید.^۳

در صورت قصور در چنین تکلیفی بار مؤاخذه به طور کامل بر عهده پدر قرار می‌گیرد و خداوند متعال از مادر در این رابطه مؤاخذه نمی‌نماید؛ اگرچه مادر هم باید تذکر بدهد، امریه معروف و نهی از منکر هم بکند اما خداوند ولایت را بر عهده پدر قرار داده است.^۴ به همین خاطر است که امام سجاد^{علیه السلام} می‌فرماید: «أَنَّكَ مَسْؤُلٌ عَمَّا وُلِّيْتَ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَ الدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ وَ الْمَعْوَنَةِ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِي كَ وَ فِي نَفْسِهِ فَمَثَابٌ عَلَيْ ذَلِكَ وَ مُعَاقَبٌ» یکی از حقوق فرزند بر پدر این است که خداوند وی را بازخواست و عقاب می‌کند؛ خدای متعال به پدر ولایت داده است تا حسن ادب در فرزند ایجاد نماید، راهنمایی به سمت پروردگار نماید و او را کمک نماید تا طاعت پروردگار را به جا آورد.^۵

۲. مدیریت مادی: اقتضای فطرت انسانی در مردان این است که تمایل دارند در بیرون از منزل کار کنند و به تبع آن بار زحمات خارج از خانه را از زنان بردارند.

۳. وظایف اخلاقی مrod: وظیفه دیگر مردان در نحوه اعمال مدیریت خود در خانواده است که بایستی اعضای خانواده را از طریق محبت، دلسوزی، رفع نیازها و احترام گذاشتن جذب نماید به گونه‌ای که اگر درخواستی نمود اعضای خانواده با کمال میل آن را انجام دهنند نه با فشار و تهدید. چنان که پیامبر اکرم^{علیه السلام} می‌فرماید: «خَيْرٌ كُمْ خَيْرٌ كُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرٌ كُمْ لِأَهْلِي». ^۶ بر اساس این روایت نحوه صحیح رفتار مردان در

۱. تحریم / ۶.

۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۶۲؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۹، ص ۵۷۲.

۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ^{علیه السلام} رَحْمَ اللَّهُ وَإِلَدًا أَعْنَانَ وَلَدَهُ عَنَّ الْبَرِّ. (امام هشتم، الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا، ص ۳۳۶)

۴. نساء / ۳۳۴.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۶۳.

۶. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۱.

درون خانواده شاخصه برتری است نه کثرت عبادت‌ها و مجاهدت‌ها^۱ چراکه چنین رفتار نیکوبی برگرفته از تواضع چنین شخصی است و زمانی شخص متواضع می‌گردد که حقیقتاً به دنبال بندگی و عبودیت در برابر خداوند متعال باشد که بر این اساس عبادت‌ها و مجاهدت‌های وی نیز واقعی می‌گردد. اگر مدیریت مرد بر اساس سوء خلق باشد به تعبیر روایات موجبات عذاب قبر را فراهم می‌آورد حتی اگر مجاهدات کثیر در مسیر گسترش فرهنگ اسلام داشته باشد و چنین رفتاری نشانگر این است که چنین شخصی در ایمانش خلل و فرج است.^۲

۲. وظایف زنان‌اللهی

۱. انجام امور داخلی: از آنجا که احکام دین مبین اسلام بر اساس فطرت انسانها جعل گردیده وظایف زنان در درون خانه قرار داده شده است؛ زنان نیز بر اساس فطرت‌اللهی خود تمایل دارند که در درون منزل کار کنند و چنین کاری را برای خود آرامش‌بخش‌تر می‌دانند. در روایات به طور مکرر آمده است که اگر زن در بیرون از منزل تکلیف و وظیفه‌ای ندارد، خود را مشغول به امور خانه و ایجاد آرامش در خانه نماید، چنان‌که پیغمبر اکرم ﷺ در تقسیم وظایف میان زن و شوهر به این مطلب می‌پردازند که امور داخلی منزل بر عهده زن است.^۳ در حالی که متأسفانه در وضعیت کنونی زنان در خارج از منزل مسئولیت‌هایی را به عهده می‌گیرند که مردان به مقدار کفايت برای انجام چنین مسئولیت‌هایی موجود است.^۴

۲. اطاعت از همسر: خداوند متعال به جهت توانایی مدیریت بیشتر نوع مردان نسبت به نوع زنان و بیشتر بودن برخوردهای عاطفی زنان، مردان را به عنوان تصمیم‌گیر نهایی معرفی نموده است به گونه‌ای که در صورت نشوز زن حق زدن نیز در قرآن کریم تا حدودی برای مردان لحاظ گردیده است: «مردان، سرپرست زنانند، به‌خاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی قرار داده است و به‌خاطر انفاق‌هایی که از اموالشان می‌کنند و زنان صالح، زنانی هستند که متواضع‌اند، و در غیاب (همسر خود)، اسرار و حقوق او را در مقابل حقوقی که خدا برای آنان قرار داده، حفظ می‌کنند. آن دسته از زنان را که از سرکشی و مخالفتشان بیم دارید، پند و اندرز دهید! (و اگر مؤثر واقع نشد)، در بستر از آنها دوری نمایید! و در غیر این صورت آنها را تنبیه کنید! و اگر از شما پیروی کردند، راهی برای تعدی بر

۱. لَا تَظْرُفُوا إِلَى طُولِ رُكُوعِ الرَّجُلِ وَ سُجُودِهِ فَإِنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ اعْتَادَهُ فَلَوْ تَرَكَهُ أَسْتُوْحِشَ لِذَلِكَ وَ لَكِنَ الْظُّرُفُوا إِلَى صِدْقِهِ وَ أَدَاءِ أَمَانَتِهِ . (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۱۰۵)

۲. کلینی، ج ۲، ص ۳۲۱.

۳. حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۷۲.

۴. وکیلی، خیرت حسینی و عفت زینبی، ص ۱۰۹؛ جوادی آملی، زن در آینه جمال و جلال، ص ۳۶.

آنها نجویید!». ^۱ علامه طباطبایی در تفسیر این آیه میان موضعه، قهر و زدن ترقیب قائل هستند و تا زمانی که سرکشی زن از طریق موضعه و قهر امکان پذیر باشد، زدن را جایز نمی‌داند.^۲ بر این اساس برای برقراری آرامش و بقاء کانون خانواده قوامیت مردان مورد توجه قرار گرفته شده است و به همین خاطر است که در روایات ائمه معصومین در مقام آموزش نحوه رفتار در خانواده از احکام فقهی صحبت نمی‌کردند بلکه به زنان توصیه می‌نمودند که از همسران خود تبعیت تمام داشته باشند که در روایت به موارد زیادی اشاره می‌نماید که زن بایستی از مرد اطاعت کند و گرنه مورد لعن特 ملائکه قرار می‌گیرد و کسی که از رحمت الهی دور شود بدیهی است که نتواند زندگی الهی هم داشته باشد^۳ اما زنان پس از انجام تکالیف الهی اگر از همسر خود اطاعت نمایند به آنها چنین خطاب می‌شود که از هر کدام از ابواب بهشت که می‌خواهی وارد بهشت شو.^۴

نتیجه

آنچه زندگی الهی را از سایر زندگی‌های معمول متمایز می‌کند آن است که غایت چنین زندگی، حرکت نمودن به سمت خداوند متعال است؛ به گونه‌ای که تمام اصول عام و خاص زندگی از قبیل اخلاص در رسیدگی به خانواده و عملکرد فطری، آداب متعلق به اعضای خانواده همانند ابراز محبت، احترام به اعضای خانواده مثبت اندیشی و روحیه شکر، صبر و رازداری و وظایف آنها بر اساس چنین غایت الهی طرح ریزی و اجرا می‌گردد.

از جمله ثمرات منحصر به فرد در زندگی الهی آن است که اگرچه در این نوع از زندگی مشکلات و بلایابی پدید می‌آید اما به جهت دید الهی اعضای خانواده به این بلایا و لازم تلقی نمودن آن برای رشد هر یک از آنها ارکان چنین زندگی از استحکام خاصی برخوردار می‌گردد؛ به گونه‌ای که هر یک از اعضای خانواده به آرامشی پایدار دست پیدا می‌کند بدون آنکه در مسیر زندگی الهی دچار نزاع‌ها و کشمکش‌های جدی خانوادگی و یا بن‌بست گردد.

از جمله تفاوت‌های این تحقیق با سایر پژوهش‌ها در این مسأله نهفته است که در سرتاسر این پژوهش تأکید بر توجه به نیت توحیدی شده و تمام اصول عام و خاص و آداب و وظایف حول محور نیت توحیدی است و هیچ‌کدام از این موارد بدون توجه به چنین نگاهی به نحو مستقل لحاظ نمی‌گردد و ارزشمند خواهد

۱. نساء / ۳۴.

۲. طباطبایی، *المیزان*، ج ۴، ص ۵۴۶.

۳. کلینی، *کافی*، ج ۵، ص ۵۰۷.

۴. همان، ص ۵۵۵.

بود؛ در حالی که در پژوهش‌های دیگر هر یک از اصول، وظایف و آداب مربوط به خانواده به نحو مستقل لحاظ گردیده است بدون آن که وابستگی آن به نیت توحیدی به صراحت لحاظ گردد. از جمله پیشنهاداتی که می‌توان در این رابطه ارائه نمود آن است که مشاوران خانواده بایستی بیش از پیش به نقش آیات و روایات در فضای خانواده توجه نمایند و تمام توصیه‌ها و نکات مربوط به خانواده را بر اساس نقش آن در تحقق نیت توحیدی در خانواده‌های مدنظر قرار دهند تا آن که اصول، آداب و وظایف افراد در خانواده را اموری مستقل و غیرمرتبط با یکدیگر لحاظ نمایند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *الخصال*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۲.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *المقفع*، قم، مؤسسه امام مهدی، چ ۳، ۱۴۱۵ ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *ثواب الأعمال و عقاب الأعمال*، قم، دارالشریف الرضی، چ ۲، ۱۴۰۶ ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *علل الشرائع*، قم، کتابفروشی داوری، چ ۲، ۱۳۸۵.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *عيون أخبار الرضا*، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *صادقة الإخوان، الكاظمية*، مکتبة الإمام صاحب الزمان، چ ۲، ۱۴۰۲ ق.
- ابن‌بابویه، محمد بن علی، *من لا يحضره الفقيه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ ۳، ۱۴۱۳ ق.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن فارس، ابوالحسین، *معجم مقاييس اللغة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- اسکات ریچارت، سازمان‌ها سیستم‌های عقلایی، طبیعی و باز؛ *تئوری‌های سازمانی*، ترجمه حسن میرزائی اهری زنجانی؛ فلورا سلطانی تهرانی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- اسکافی، ابن‌همام، *التمحیص*، قم، مدرسة الإمام المهدی، ۱۴۰۴ ق.
- امام ششم، جعفر بن محمد، *مصابح الشريعة*، بیروت، اعلمی، چ ۲، ۱۴۰۰ ق.
- امام هشتم، علی بن موسی، *الفقه المنسب إلى الإمام الرضا*، مشهد، مؤسسه آل‌الیت، ۱۴۰۶ ق.
- امام یازدهم، حسن بن علی، *التفسیر المنسب إلى الإمام الحسن العسكري*، قم، مدرسة الإمام المهدی، ۱۴۰۹ ق.
- بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، *عواالم العلوم و المعارف والأحوال من الآيات والأخبار والأقوال*، قم، مؤسسه الإمام المهدی، ۱۴۱۳ ق.

- برقی، احمد بن محمد بن خالد، *المحسن*، قم، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۷۱ ق.
- برهمن، مریم؛ سوسن کشاورز و مسعود صفائی مقدم، ۱۳۹۳، «تیین چیستی ساختار خانواده مبتنی بر رویکرد غایت‌شناسانه با تأکید بر آیات قرآن»، *مجله فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ش ۲۹، ص ۲۸-۷.
- بروجردی، حسین، *جامع أحاديث الشيعة*، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، ۱۳۸۶.
- بستان (نجفی)، حسین، *خانواده در اسلام*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۶.
- تقی‌پور، محمدرضا؛ محسن اسماعیلی و سیاوش صلوایان، ۱۳۹۶، «الگوی جامع خانواده تراز در اندیشه اسلامی»، *فصلنامه فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، ش ۳۸، ص ۱۴۸-۱۱۹.
- جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جمال و جلال، قم، مرکز نشر فرهنگی رجا، ۱۳۶۹.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة*، مشهد، آستانة الرضویة المقدسة، چ ۲، ۱۴۱۴ ق.
- حلوانی، حسین بن محمد، *نزهه الناظر ونبیه الخاطر*، قم، مدرسة الإمام المهdi، ۱۴۰۸ ق.
- حمیری، عبد الله بن جعفر، *قرب الإسناد*، قم، مؤسسه آل‌البیت، چ ۲، ۱۴۱۳ ق.
- حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم ودواء كلام العرب من الكلوم*، بیروت، دار الفکر، چ ۲، ۱۴۲۰ ق.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از مدارhan، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، <http://farsi.khamenei.ir/print-content?id=22443>، از ۱۳۹۲/۲/۱۱
- خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایة الكبرى*، بیروت، البلاغ، ۱۴۱۹ ق.
- خطیبی، اعظم، «الگوی مدیریت در خانواده در سیره رضوی»، *مجله مطالعات راهبردی بسیج*، ش ۵۹، ۱۳۹۲، ص ۱۶۲-۱۳۳.
- خمینی، روح الله، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶.
- دیلمی، حسن بن محمد، *إرشاد القلوب إلى الصواب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- دیلمی، حسن بن محمد، *أعلام الدين في صفات المؤمنين*، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان، دار العلم، ۱۴۱۲ ق، چ ۲.
- زارعی، محمد‌مهدی، ۱۳۹۰، «درآمدی بر جایگاه اخلاق در ازدواج و حقوق خانواده»، *مجله فقه و اصول*، ش ۸۷، ص ۹۶-۶۹.

- صاحب بن عباد، اسماعیل، *المحيط فی اللغة*، بیروت، عالم الكتاب، ۱۴۱۴ ق.
- صفار، محمد بن حسن، *بعض الدرجات فی فضائل آل محمد*، قم، مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
- طبرسی، حسن بن فضل، *مکارم الأخلاق*، قم، انتشارات الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
- طبرسی، علی بن حسن، *مشکاة الأنوار فی خور الأخبار*، نجف، المکتبة الحیدریة، ۱۳۸۵ ق.
- طوسی، محمد بن الحسن، *الأمالی*، قم، دار الثقافة، ۱۴۱۴ ق.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواقعین وبصیرة المتعظین*، قم، رضی، ۱۳۷۵.
- فیض کاشانی، محمدحسن بن شاه مرتضی، *الوافقی*، اصفهان، کتابخانه امام أمیرالمؤمنین علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، انتشارات دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید، *المؤمن*، قم، مؤسسه الإمام المهدي، ۱۴۰۴ ق.
- کوئن، بروس، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثالثی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
- گیدزر، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه متوجه صابری، تهران، انتشارات نی، ۱۳۷۶.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعه لدور اخبار الانمه الاطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربي، ۱۴۰۳ ق.
- مجلسی، محمدباقر، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۴ ق.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی، *روضة المتقدین فی شرح من لا يحضره الفقيه*، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ ق.
- مغری (ابن حیون)، نعمان بن محمد، *دعائیم الإسلام*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، ۱۳۸۵ ق.
- مفید، محمد بن محمد، *الإختصاص*، قم، المولمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ ق، چ ۲.
- نیک‌پی، امیر و رضوان پویا، ۱۳۹۱، «*مجله جامعه‌شناسی تاریخی*»، دوره چهارم، ش ۱، ص ۱۷۰ - ۱۳۱.
- هاشمی شاهروذی، سید محمود، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۶ ق.
- وکیلی، محمدحسن، *غیرت حسینی و غفت زینبی*، مشهد، مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام، ۱۳۹۵.

